



The Relationship between the Transcendental Mahdavi Governance and the Ideal Governance of Wilayat Faqih¹

Hossein Elahinejad¹ 

1. Professor, Research Center for Mahdiism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.elahinejad@isca.ac.ir

Abstract

Mahdavi governance finds meaning and concept in the form of Islamic governance, and Islamic governance is divided into types such as Prophetic governance, Alavi governance and Mahdavi governance. Mahdavi governance is divided into two types including transcendental Mahdavi governance and ideal Wilayat Faqih governance because the diversity of the Mahdavi governance based on the ages (age of occultation and reappearance of Imam Mahdi) leads to the diversity of the Mahdavi governance to the transcendental Mahdavi governance governed by Imam Mahdi, and the governance of the Wali Faqih governed by the successors of Imam Mahdi. Both governances, i.e. transcendental Mahdavi governance and ideal Wali Fiqh governance, have a single origin called Mahdavi thought, on the basis of which both of them are given the title of Mahdavi governance. In addition to sharing the origin (Mahdiism thought), these two governances have a two-way relationship and play an important role in each other's evolution and excellence. It is necessary and essential to provide the context for excellence and knowledge increase among people and society by expressing this two-way relationship. In this article, data

1. Cite this Article: Elahinejad, H. (1402 AP). The Relationship between the Transcendental Mahdavi Governance and the Ideal Governance of Wilayat Faqih. *Journal of Mahdavi Society*. 4(8), pp. 9-37. <https://doi.org/10.22081/JISS.2024.67836.2045>.

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Scientific-promotional Article

▣ **Received:** 01/01/2024 • **Revised:** 01/02/2024 • **Accepted:** 22/02/2024 • **Published online:** 06/03/2024

collection has been done with a qualitative method and in the form of library and documents, and data processing has been done in a descriptive and analytical method. The results of this study are achievements such as the role-creation of transcendental Mahdavi governance in the form of three components of legitimization, acceptability, and goal-setting in relation to the Wali Faqih governance, and the role-creation of the Wali Faqih governance in the form of the three components of preparation, promotion, and model-making in relation to the transcendental Mahdavi governance.

Keywords

Transcendental Mahdavi governance, the ideal Wali Faqih governance, legitimization, acceptability, preparation.



رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه^۱

حسین الهی‌نژاد^۱

۱. استادتمام، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

h.elahinejad@isca.ac.ir



چکیده

حکمرانی مهدوی، در قالب حکمرانی اسلامی معنا و مفهوم پیدا می‌کند و حکمرانی اسلامی به اقسامی نظیر: حکمرانی نبوی، حکمرانی علوی و حکمرانی مهدوی تقسیم می‌شود. حکمرانی مهدوی، به دو قسم حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه تقسیم می‌شود؛ زیرا تنوع حکمرانی مهدوی براساس اعصار (عصر غیبت و ظهور) منجر به تنوع در حکمرانی مهدوی به حکمرانی متعالی مهدوی با حاکمیت امام مهدوی عجل الله تعالی فرجه و حکمرانی ولی فقیه با حاکمیت جانشینان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌شود. هر دو حکمرانی یعنی حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه دارای خاستگاه واحدی به نام اندیشه مهدویت هستند که براین اساس به هر دو لقب حکمرانی مهدوی داده می‌شود. این دو حکمرانی علاوه بر اشتراک در خاستگاه (اندیشه مهدویت) دارای رابطه و نسبت دوسویه هستند و در تکامل و تعالی یکدیگر نقش مهمی دارند که لازم و ضروری است با بیان این رابطه و نسبت دوسویه، زمینه تعالی و معرفت‌افزایی نسبت به آنها در میان مردم و جامعه فراهم شود. در این نوشتار جمع‌آوری داده‌ها با روش کیفی و به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی، و پردازش داده‌ها به صورت توصیفی و تحلیلی

۱. **استناد به این مقاله:** الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۲). رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه.

<https://doi.org/10.22081/JM.2024.68239.1086>

جامعه مهدوی، ۴(۸)، صص ۹-۳۷.

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

انجام شده است. نتایج این پژوهش دستاوردهایی نظیر: نقش آفرینی حکمرانی متعالی مهدوی در قالب سه مؤلفه مشروعیت‌سازی، مقبولیت‌سازی و هدف‌نمائی نسبت به حکمرانی ولی‌فقیه، و نقش آفرینی حکمرانی ولی‌فقیه در قالب مؤلفه‌های سه‌گانه تمهید‌گری، ترویج‌گری و الگو‌سازی نسبت به حکمرانی متعالی مهدوی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی متعالی مهدوی، حکمرانی مطلوب ولی‌فقیه، مشروعیت‌سازی، مقبولیت‌سازی، تمهید‌گری.



مقدمه

حکمرانی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود حکمرانی الهی و بشری، حکمرانی توحیدی و الحادی، حکمرانی دینی و سکولاری، حکمرانی اسلامی و غیراسلامی هر کدام از این تنوعات حکمرانی دارای اهداف و غایات مشخص و دارای تعریف و چارچوب نظری معینی هستند.

نظریه حکمرانی اسلامی با رویکرد شیعی به دو قسم: عصر حضور و عصر غیبت تقسیم می‌شود. دولت در عصر حضور و ظهور و دولت در عصر غیبت؛ به بیان دیگر دولت پیشاظهر و دولت پساظهر که یکی به دولت منتظر با حکمرانی ولی فقیه (جانشینان امام مهدی علیه السلام) و دیگری به دولت منتظر با حکمرانی شخص امام مهدی علیه السلام که با نشانه حکمرانی متعالی و ایده آل تعریف می‌شوند شیعه اعتقاد دارد در عصر حضور، نظریه امامت مطرح بوده و امامان به فرمان الهی بعد از رسول گرامی اسلام یکی بعد از دیگری عهده‌دار اداره و تنظیم امور اجتماعی، سیاسی و اعتقادی مردم بوده و خواهند بود و در عصر غیبت کبری به جهت غیبت امام زمان علیه السلام نظریه ولایت فقیه مطرح بوده و فقها به طور عام و ولی فقیه به طور خاص عهده‌دار اداره جامعه و تنظیم امور در حوزه اجتماعی، سیاسی و اعتقادی شیعیان هستند. این دو دولت تعامل و نقش دوسویه را نسبت به یکدیگر ایفا می‌کنند. ۱- دولت منتظر نقش مشروعیت‌بخشی و مقبولیت‌سازی برای دولت منتظر، و دولت منتظر نقش اشاعه‌سازی و ترویج‌گری برای دولت منتظر را دارد. ۲- دولت منتظر، خاستگاه و علت محدثه و بقیه دولت منتظر و دولت منتظر نقش تمهیدگری و آماده‌سازی مردم برای ظهور دولت منتظر می‌باشد. ۳- دولت منتظر، نقش غایت و هدف‌نمائی برای دولت منتظر و دولت منتظر با تاسی و الگوگیری از آن، نقش پیاده‌سازی نمودار کوچکی از دولت منتظر را نشان می‌دهد. در نتیجه چنین برابری می‌شود که اولاً، میان دولت منتظر و منتظر رابطه عمیق و وثیقی وجود دارد ثانیاً، میان آن دو اشتراک نظر و همپوشانی وجود دارد. ثالثاً، اشتراک نظر و همپوشانی آن دو، دوسویه است. رابعاً، در تکامل و تعالی یکدیگر نقش مهم و تأثیرگذاری دارند. خامساً، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه السلام تشکیل

خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچک‌تر از آن هستیم که بتوانیم آن‌گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

۱. مفهوم شناسی و ادبیات نظری بحث

۱-۱. حکمرانی متعالی

حکمرانی‌ها با شاخصه‌های مختلف و متنوعی نظیر خوب و شایسته، متعالی و ایده‌آل، مطلوب و مقدور بازشناسی می‌شوند. حکمرانی متعالی، یکی از حکمرانی‌هایی است که با عنوان حکمرانی مهدوی و با وصف تعالی از دیگر حکمرانی‌ها متمایز می‌گردد. حکمرانی‌ها علاوه بر تفاوت در اصل ماهیت‌شناختی با سه سازه حکومت و دولت، در اتصاف به شاخصه‌های بیرونی و پیرامونی نظیر شاخصه خوب، متعالی، مطلوب و... نیز متفاوت می‌باشند. حکمرانی متعالی که همان حکمرانی مهدوی با حاکمیت مستقیم امام مهدی علیه السلام بوده از جمله حکمرانی‌هایی است که متصف به وصف تعالی و ایده‌آل می‌باشد. شاخصه تعالی یعنی حکمرانی مهدوی در ساحت‌های مختلف ساختاری، روشی، مبانی و غایی از همه حکمرانی‌های بشر در طول تاریخ برتر می‌باشد و در همه ابعاد حاکمیتی اعم از فردی و اجتماعی نظیر: مردم‌داری، عدالت‌ورزی، ظلم‌ستیزی، نظام‌مندی، قانون‌گرایی، عزت‌خواهی، رفاه و آسایش‌آوری، سرآمد همه حکمرانی‌ها است.

۱-۲. حکمرانی مطلوب (و مقدور)

حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت با دو وصف مطلوب و مقدور بازشناسی می‌شود و این نوع حکمرانی الگو و مدلی از حکمرانی اسلامی است که براساس اندیشه مهدویت شکل گرفته و با رویکرد زمینه‌سازی ظهور به تمهیدگری و راهبری جامعه و شهروندان برای رسیدن به آمادگی، شایستگی و بایستگی برای تحقق ظهور، می‌پردازد. به بیان دیگر حکمرانی مطلوب (مقدور) یعنی اجرا و اعمال قدرت در جامعه با نگرش مردم‌سالاری دینی، براساس نظریه ولایت فقیه در راستای تحقق آمادگی و شایستگی

مردم جهت نیل به زمینه‌سازی و ظهور است.

پس حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت متصف به وصف «مطلوبیت و مقدوریت» بوده و با اسم حکمرانی مطلوب و مقدور نام‌گذاری می‌شود. منظور از مطلوبیت یعنی این نوع حکمرانی مورد مطالبه مردم و منتظران در عصر غیبت است و مقصود از مقدوریت یعنی تحقق این حکمرانی براساس توان و ظرفیت موجود در عصر غیبت شکل گرفته و نسبت به حکمرانی متعالی مهدوی مطلوبیت و مقدوریت نسبی دارد.

۱-۳. انتظار؛ رابط میان حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه

مقوله انتظار در سه ساحت لغوی، اصطلاحی و علمی مفهوم‌شناسی می‌شود. ۱- انتظار در ساحت لغوی به معنای منتظر بودن و چشم به راه بودن است ۲- انتظار در ساحت اصطلاحی به معنای آمادگی، شایستگی و بایستگی منتظران برای رسیدن به ظهور امام زمان عجل الله فرجه است. یعنی انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشیم از آن بر می‌آید و ضد آن، یأس و ناامیدی است (اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). چنانکه امام جواد علیه السلام درباره واژه منتظر و معنای آن می‌فرماید: «سَمِّيَ الْمُتَنْتِظِرُ لِانْتِظَارِ الْمُخْلِصِينَ خُرُوجَهُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ لِه غَيْبَةِ يَطُولُ أَمَدَهَا؛ نام‌گذاری مهدی علیه السلام به منتظر به جهت انتظاری است که مخلصین بعد از غیبت او می‌کشند و برای او غیبت طولانی است» (بیاضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۱)؛ ۳- انتظار در ساحت علمی که به نوعی منبعث از دو ساحت لغوی و اصطلاحی انتظار است، به معنای نارضایتی از وضعیت موجود (جامعه منتظر) و دیدن وضعیت مطلوب (جامعه منتظر) و حرکت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب می‌باشد. یعنی، مقوله انتظار در ساحت نظریه انتظار متشکل از سه عنصر اساسی می‌باشد. عنصر اول، همان وضعیت موجود است که با رویکرد پسینی و با نگرش گذشته‌پژوهی توجیه می‌شود و عنصر دوم، همان وضعیت مطلوب است که با رویکرد پیشینی و با نگرش آینده‌نگری تبیین می‌شود و عنصر سوم، همان واسط و اتصال‌دهنده وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است که به عنوان ابزار و راهکار فرایندی جهت رسیدن به هدف، به کار گرفته می‌شود. که از همین عناصر سه‌گانه می‌توان انتظار مثبت را از انتظار

منفی‌بازشناسی کرد؛ زیرا انتظار مثبت براساس نظریه انتظار، آن انتظاری است که همه عناصر سه‌گانه را به صورت جمعی دارد یعنی منتظر واقعی کسی است که اولاً، از وضعیت موجود ناراضی است. ثانیاً، وضعیت مطلوب و ایده‌آل را می‌بیند. ثالثاً، با آمادگی و شایستگی کامل از وضعیت موجود عبور کرده برای رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش می‌کند و در غیر این صورت یعنی اگر کسی که از وضعیت موجود ناراضی نباشد و یا ناراضی باشد ولی توجه به وضعیت مطلوب نکند و یا توجه نکند؛ ولی حرکت و انگیزه‌ای برای رفتن به آینده مطلوب نداشته باشد. پس به نوعی دچار خمودی و ایستائی شده و این شاخصه‌ها همان شاخصه‌های انتظار منفی است.

۲. تعامل دوسویه میان حکمرانی متعالی با حکمرانی مطلوب

تقسیم مقطع زمانی به پیش‌ظهور و پس‌ظهور که اولی متعلق به دوران غیبت و دومی متعلق به دوران ظهور است، به تقسیم در دولت مهدوی؛ یعنی به دولت قبل ظهور با وصف منتظر به سرپرستی جانشین امام مهدی عج و دولت بعد از ظهور با وصف منتظر، با حاکمیت مستقیم امام مهدی عج، منجر می‌شود. گرچه این دو دولت به جهت برانگیختی از اصل واحدی به نام اندیشه مهدویت هر دو به نام دولت مهدوی شناخته می‌شوند. ولی در برخی حوزه‌ها نظیر اصل و فرع، و مباشر و غیرمباشر و مقدمه و ذی‌المقدمه، فرایند و برآیند، از یک‌دیگر متفاوت می‌شوند؛ زیرا از طرفی جامعه منتظر، فرع جامعه منتظر بوده و به‌عنوان مقدمه و فرایند شکل‌گیری آن شناخته می‌شود و از طرف دیگر سرپرستی جامعه منتظر با مباشرت مستقیم امام زمان عج و جامعه منتظر با مباشرت غیرمستقیم او یعنی از ناحیه جانشینانش اداره می‌شود. در کنار تفاوت‌ها و تمایزات، تعاملات و همپوشانی‌هایی نیز میان‌شان وجود دارد. نظیر «اندیشه مهدویت مشروعیت و مقبولیت‌ساز دولت منتظر»، «اندیشه مهدویت غایت و هدف نمای دولت منتظر»، «اندیشه مهدویت خاستگاه و علت محدثه و مبقیه دولت منتظر»، «دولت منتظر تمهیدگر و بسترساز دولت منتظر»، «دولت منتظر مبلغ و ترویج‌گر دولت منتظر» که در ذیل به تبیین و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

۱-۲. نقش مهدویت و حکمرانی مهدوی در حکمرانی ولی فقیه

مهدویت و حکمرانی متعالی مهدوی در شکل‌گیری اصول و بنیادهای حکمرانی ولی فقیه نظیر مشروعیت بخشی، مقبولیت‌سازی، هدف‌نمائی و... نقش اساسی و تأثیرگذار دارد.

حکمرانی ولی فقیه به‌عنوان حکمرانی منتظر بسان همه حکمرانی‌های دیگر به جهت استمرار و استحکام خود نیاز به دو مقوله‌ای به نام مشروعیت و مقبولیت دارد با مشروعیت، پایه‌ها و اساس حکمرانی استحکام می‌یابد و با مقبولیت، استمرار و تداوم آن تضمین می‌شود. بی‌شک اصل مشروعیت و مقبولیت برای حکمرانی ولی فقیه از ناحیه اندیشه مهدویت، نشان از تعامل و رابطه عمیق میان حکمرانی متعالی مهدوی با حکمرانی مطلوب ولی فقیه است.

۱-۱-۲. مشروعیت حکمرانی ولی فقیه

یکی از مقولات مهم تعاملی میان اندیشه مهدویت با اندیشه ولایت فقیه، مقوله مشروعیت است. یعنی اندیشه مهدویت مشروعیت‌ساز و اسلامی‌سازی اندیشه ولایت فقیه و حکمرانی ولی فقیه را بر عهده دارد.

به‌طور کلی درخصوص مشروعیت حکمرانی ولی فقیه سه نگرش مطرح شده است؛ نگرش اول مشروعیت را برآمده از رأی و انتخاب مردم می‌داند و نگرش دوم مشروعیت را بر خواسته از دین و شریعت اسلامی تلقی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۲۱۳) و نگرش سوم مشروعیت را توأمان از دین و رأی مردم می‌داند به بیان دیگر در مورد مشروعیت حکمرانی ولی فقیه سه نگرش انتخابی، انتصابی و تلفیقی مطرح است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۷) که براساس دلایل عقلی (بروجردی، ۱۳۶۲، صص ۵۳؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۶۷) و عقلائی (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۲۷) و نقلی (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰) نگرش و قول انتصابی بودن ولی فقیه به واقع نزدیکتر و با مستندات و احادیث منقول، هماهنگ‌تر می‌باشد.

«مشروعیت نهضت امام خمینی در ایران به‌عنوان نماینده امام زمان (عج) براساس نظریه

ولایت فقیه توجیه می‌شود و نظریه ولایت فقیه در عصر غیبت با روایات صادره از حضرات معصومین علیهم‌السلام که بیانگر نیابت عام و جانشینی فقها از امام زمان علیه‌السلام است تبیین می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۳۱). پس به صورت سلسله مراتبی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی براساس نظریه ولایت فقیه و مشروعیت نظریه ولایت فقیه براساس نظریه نیابت عام و مشروعیت نیابت عام براساس امامت و مهدویت است. «ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره مسائل اجتماعی در هر عصر و زمان، از ارکان مذهب حقه اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد... ولایت فقیه، از شؤون ولایت و امامت و از اصول مذهب است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۴) پس در حکومتی که براساس ولایت است، فقیه جامع الشرایط، نایب امام عصر علیه‌السلام و عهده‌دار همه شؤون اجتماعی آن حضرت می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱).

در خصوص مشروعیت ولایت فقیه در عصر غیبت روایات گوناگونی از حضرات معصومین علیهم‌السلام در منابع حدیثی شیعه نقل شده است. در کتاب عوائد الایام مرحوم نراقی که متشکل از ۸۸ عائده است، در عائده ۵۴ جهت توجیه و مشروعیت‌سازی ولایت فقیه در عصر غیبت به ۱۹ روایت اشاره کرده است (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۵۳۴).

حضرت امام خمینی علیه‌السلام گرچه با نقل روایات به اثبات ولایت فقیه می‌پردازد ولی در ادامه بحث، ولایت فقیه را یک امر عقلائی تلقی نموده، که نه تنها نیاز به دلایل نقلی ندارد بلکه به دلایل عقلی نیز بی‌نیاز است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۷). اصلاً ولایت فقیه همان التزام به اسلام و ولایت ائمه علیهم‌السلام بوده و قابل فصل و جدایی از آن نیست (خامنه‌ای، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۲). موضوع ولایت فقیه، ولو مقداری در توسعه و تضییق‌اش تفاوتی بین علما وجود داشته، ولی جزو واضحات فقه اسلام است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹). چنانچه که برخی از علماء و فقهای بزرگ مانند نجفی صاحب جواهر (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۱۵، ص ۴۲۶؛ ج ۱۶، ص ۱۷۸؛ ج ۲۱، ص ۳۹۵؛ ج ۲۲، ص ۱۹۵؛ ج ۴۰، ص ۱۹)، نراقی (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۵۳۷)، محقق ثانی (کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۴۲)، شهید ثانی (عاملی جعی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۵)، محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۵) نیز اصل ولایت فقیه را امری ضروری و بدیهی می‌دانند.

پس مقوله نیابت عام که بیان‌گر مشروعیت سرپرستی فقها در عصر غیبت است

از جمله مباحث مهم مهدویت تلقی شده و با این مقوله حرکت‌ها و فعالیت‌های فقهاء و علمای شیعه در عصر غیبت توجیه و مشروعیت‌سازی می‌شود به طور کلی به صورت سلسله مراتبی مشروعیت نهضت‌های فقهاء در عصر غیبت به وسیله نظریه ولایت فقیه و نظریه ولایت فقیه به واسطه نظریه نیابت عام و نظریه نیابت عام توسط اندیشه مهدویت و اندیشه مهدویت توسط اسلام توجیه و مشروعیت‌سازی می‌شود.

۲-۱-۲. مقبولیت حکمرانی ولی فقیه

به طور کلی همه حکومت‌ها و حکمرانی‌ها حتماً باید مزین به این دو مقوله یعنی مشروعیت و مقبولیت باشند؛ زیرا وجود مشروعیت و مقبولیت به نوعی انسجام و انتظام را در حکمرانی‌ها و فقدان آن دو به نحوی نبود انسجام و انتظام را به همراه دارد. بر این اساس وجود این دو مقوله برای شکل‌گیری و تداوم حکمرانی‌ها نه تنها حتمی بلکه ضروری نیز می‌باشد به بیان دیگر مقوله مشروعیت نقش پیشران و علت محدثه و مقوله مقبولیت نقش تداوم‌بخش و علت مبقیه را برای حکمرانی‌ها ایفا می‌کنند.

بی‌تردید، وقتی که در عصر غیبت همه مردم در انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه بسر می‌برند پس همگی به وصف انتظار مزین بوده و همگی منتظر می‌باشند، چنانکه امام صادق علیه السلام در این راستا یکی از ویژگی‌های مهم مردمان عصر غیبت را انتظار دانسته و مزین و متصف بودن آنها به این وصف را ضروری و واجب می‌داند «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد حتماً باید در انتظار بسر برد و باید مزین به تقوا و اخلاق نیکو باشد و این فرد منتظر است» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۰).

بی‌شک، وقتی که وصف انتظار و شاخصه منتظر بودن از جمله شاخصه‌های مهم مردمان عصر غیبت بوده و وجود این شاخصه برای آنها ضروری و واجب می‌باشد. پس، مردمان عصر غیبت قبل از هرگونه اتصاف‌ورزی به اوصاف دیگری به اتصاف‌ورزی به وصف انتظار و منتظر بودن مزین هستند. به بیان دیگر اصل شهروندی در عصر غیبت مساوی است با اتصاف به انتظار، و مزین بودن به وصف انتظار مساوی است با

منتظر بودن. پس به طور کلی مردمان و جامعه عصر غیبت به نام منتظران و جامعه منتظر شناخته و معرفی می‌شوند. پس بنابر این مقبولیت مردمی یعنی مقبولیت منتظران و شهروندان منتظر. بر این اساس استمرار حکومت ولی فقیه با منتظران و شهروندان منتظر که برگرفته از اندیشه مهدویت می‌باشد تأمین می‌شود. پس اندیشه مهدویت در قالب انتظار و منتظران علاوه بر مشروعیت‌سازی نظام ولی فقیه در مقبولیت آن نیز تأثیر گذار خواهد بود.

۲-۱-۳. حکمرانی مهدوی غایت و هدف نمای حکمرانی ولی فقیه

دولت منتظر که با نظریه ولایت فقیه تدبیر و با سرپرستی ولی فقیه اداره می‌شود دارای دو هدف مهمی به نام «ظهور» و «دولت منتظر» است که یکی، تأمین کننده فردا و دیگری، تضمین کننده امروز می‌باشد. ظهور، هدفی است که منتظران و جامعه منتظر با آمادگی، شایستگی و بایستگی به سوی گام برداشته و با تحققش فردای خود را تأمین می‌کنند و جامعه متعالی مهدوی (جامعه منتظر)، هدفی است که منتظران و جامعه منتظر با دیدن آن و با الگوگیری و کاربری شاخصه‌های آن به ساماندهی زندگی امروز خود می‌پردازند. پس، ظهور و جامعه منتظر که در واقع غایت و هدف جامعه منتظر به حساب می‌آیند به نوعی بیان‌گر این مسئله است که میان حکمرانی متعالی مهدوی با حکمرانی مطلوب ولی فقیه رابطه و تعامل وجود دارد.

۲-۱-۳-۱. ظهور؛ هدف حکمرانی ولی فقیه

به طور کلی ظهور، با اراده جمعی بشر و با آمادگی کامل منتظران و جامعه منتظر به وقوع می‌پیوندد. یعنی، بشر همیشه با آمادگی کامل به شایستگی جامع می‌رسد و با شایستگی جامع به بایستگی ظهور خواهد رسید. پس شرط تحقق ظهور آمادگی و شایستگی بشر است که به بایستگی ظهور منتهی می‌شود. چنانکه امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ [لِلْإِسْلَامِ] عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ وَ جَبَّ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ التَّغْيِيرُ؛ هر گاه پیرامون امام به تعداد نفرات جنگ بدر که سیصد و سیزده نفر است

جمع شوند بر امام واجب است قیام کرده و دست به بزند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۴۹).
در این روایت واژه «وجوب» شاهد مثال است که با دلالت منطوقی و با رویکرد
تصریحی به این موضوع می‌پردازد که در صورت فراهم شدن یاران امام مهدی علیه السلام که
تعدادشان سیصد و سیزده نفر است قیام بر حضرت واجب خواهد شد تا با این قیام جهان
و جهانیان را به سوی تغییر و تحول پیش ببرد.

باز در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، حضرت می‌فرماید: «آنه لو اجتمع
للإمام عدة أهل بدر ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً لوجب علیه الخروج بالسيف؛ هرگاه
برای امام به تعداد سپاه بدر سیصد و سیزده نفر جمع شوند بر امام قیام با قدرت واجب
می‌باشد» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳).

این حدیث را شیخ مفید در کتاب خود روایت کرده است. به گفته وی، در
مجلسی که از ایشان پرسیده می‌شود: «مگر شیعه از جعفر بن محمد روایت نکرده که
اگر برای امام به تعداد اهل بدر ۳۱۳ مرد فراهم شده بود خروج به شمشیر بر او
واجب بود؟» شیخ پاسخ می‌دهد: «بله.» پرسش‌گر می‌پرسد: «پس چرا امام مهدی علیه السلام
ظهور نمی‌کند، با این که تعداد شیعیان در زمان ما چندین برابر اهل بدر است؟»
شیخ چنین پاسخ می‌دهد: «گرچه تعداد شیعیان در زمان ما چندین برابر اهل بدر است،
اما آن شرایطی را که باید داشته باشند، ندارند در نهایت در همین راستا شیخ مفید می‌گوید:
«لظهر الامام لا محاله و لم یغب بعد اجتماعهم طرفه عین؛ اگر اجتماع یاران تحقق پیدا
کند ناگزیرا به سرعت غیبت امام تبدیل به ظهور می‌گردد» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲).

آمادگی یاران و یا آمادگی مردم شرط مهم و اساسی برای تحقق ظهور است
براین اساس ظهور امام زمان بدون اراده جمعی بشر و بدون آمادگی کامل منتظران، قابل
دست‌یافتنی نخواهد بود؛ از این رو ظهور امام زمان علیه السلام به عنوان هدف اصلی فعالیت‌های
منتظران و جامعه منتظر شناخته می‌شود و همه اعمال و رفتار فردی و اجتماعی اعم از
سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... در راستای تحقق ظهور توجیه و تعریف می‌شود.
اوج این آمادگی و شایستگی منتظران در عصر غیبت در بعد اجتماعی آن هم در ساحت
سیاسی و حکمرانی ولی فقیه نمود و بروز بیشتری دارد.

۲-۱-۳-۲. حکمرانی متعالی مهدوی، هدف حکمرانی ولی فقیه

دومین هدفی که جامعه منتظر بعد از هدف نمایی ظهور به دنبالش خواهد بود، تحقق جامعه منتظر و الگوگیری از آن می‌باشد. براساس داده‌های قرآنی و روایی امام مهدی علیه السلام بعد از رخداد ظهور در پی تشکیل نظام واحد جهانی تحت عنوان جامعه منتظر با حکمرانی مهدوی خواهد بود. چنانکه امام باقر علیه السلام در ذیل آیه؛ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ - أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» می‌فرماید: «وَهَذِهِ الْآيَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَالْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا». این آیه در خصوص آل محمد علیهم السلام و امام مهدی علیه السلام و اصحاب او است که خداوند حاکمیت جهان از شرق و غرب را در اختیارشان قرار می‌دهد (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۷). این روایت با همراهی آیه به نوعی بیان‌گر تشکیل حکمرانی جهانی از ناحیه امام مهدی علیه السلام در فرجام تاریخ بشریت هستند.

حکمرانی مهدوی به‌عنوان آخرین و بهترین حکمرانی دارای شاخصه‌هایی نظیر عدالت محوری، مظلوم‌خواهی، ظلم‌ستیزی، عزت‌مندی، معنویت‌محوری، دین‌مداری، پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی، ایجاد رفاه و آسایش برای مردم، فراوانی نعمت در امورات مادی و... است. چنانکه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي ... يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يَفْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا؛ به شما مژده می‌دهم مهدی در امت من برانگیخته شود و زمین را پر از عدل و داد کند چونان که پر از ظلم و ستم شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی باشند و بالسویه اموال را میان مردم تقسیم کند» (اریلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۸۳). باز رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَتُنْعَمُ أُمَّتِي فِيهَا نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، يُرْسِلُ اللَّهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، فَلَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ...؛ مسلمانان در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام طوری از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند که مثل آن در هیچ زمانی اتفاق نیافتاده است. خداوند از آسمان مدام باران می‌فرستد و بدون تأخیر از زمین گیاهان رشد می‌کنند» (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۴۷۷). براساس محتوای روایات فوق مردمان عصر ظهور در سایه حکمرانی مهدوی به

شاخصه‌های مهمی در همه ابعاد فردی و اجتماعی می‌رسند.

جامعه منتظر با تأسی و الگوگیری از جامعه منتظر و پیاده‌سازی شاخصه‌های آن به ساماندهی و تمشیت امور منتظران می‌پردازد. در واقع همه شاخصه‌های مثبت جامعه منتظر اعم از شاخصه‌های کنشی و هنجاری، و شاخصه‌های گرایشی و انگیزشی، و شاخصه‌های بینشی و معرفتی به نوعی برگرفته از شاخصه‌های جامعه منتظر و حکمرانی متعالی مهدی است. چنانکه مقام معظم رهبری در این خصوص به بیش از بیست شاخصه مهم جامعه منتظر که برگرفته از جامعه منتظر می‌باشد اشاره می‌نمایند نظیر: عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، فسادستیزی، ساده‌زیستی، سلامت اعتقادی و اخلاقی، تواضع و فروتنی، اجتناب از اسراف، تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل، سعه صدر و وسعت نظر، تحمل مخالف، توجه به منافع ملی و پرهیز از منافع شخصی و گروهی، شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل، انس با خدا و قرآن، خدمت‌گزاری به مردم، شایسته‌سالاری در انتخاب مسئولین، قانون‌گرایی، روزآمدی و کارآمدی در کیفیت کارها، حمایت‌گری و پرهیز از تصدی‌گری، تمرکزگرایی، تخصص‌گرایی، شفافیت و آزادی در اطلاع‌رسانی، حفظ و صیانت از سرمایه ملی، ارزش‌مداری و فرهنگ‌محوری. بی‌شک همه این موارد به نوعی در راستای هدف‌نمایی جامعه منتظر و هدف‌گیری و تأسی جامعه منتظر در جامعه عصر غیبت، اجرائی و پیاده‌سازی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۶).

پس حکمرانی ولی فقیه با رویکرد هدف‌شناختی در پی تحقق دو هدف یعنی تحقق ظهور و تحقق حکمرانی مهدوی است تا با این نشانه‌گذاری و هدف‌نمایی اولاً، زمینه امید و امیدواری در مردم فراهم شود. ثانیاً، پایه‌ها و اساس نظام ولی فقیه تحکیم و استوار شود. ثالثاً، بستر تأسی و الگوگیری برای نظام ولی فقیه فراهم شود رابعاً؛ تداوم و بقای حکمرانی ولی فقیه تضمین شود.

۲-۲. نقش حکمرانی ولی فقیه در مهدویت و حکمرانی مهدوی

گرچه مشروعیت و مقبولیت حکمرانی مطلوب ولی فقیه متفرع بر مهدویت و

حکمرانی مهدوی بوده و به نوعی حکمرانی مهدوی غایت‌بخش و هدف‌نمای آن به حساب می‌آید؛ ولی از نقش حکمرانی مطلوب ولی فقیه در عصر غیبت جهت تمهیدگری و زمینه‌سازی و نیز جهت اشاعه‌گری و تبلیغ اندیشه مهدویت و حکمرانی متعالی مهدوی نباید غفلت نمود که در ذیل به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

۲-۱-۲. دولت منتظر تمهیدگر و بسترساز دولت منتظر

از جمله رسالت‌های مهمی که منتظران و جامعه منتظر دارند بحث آمادگی و آماده‌سازی جامعه و مردم برای تحقق پدیده ظهور است. ظهور به‌عنوان یک پدیده بشری، تاریخی و اجتماعی بدون حمایت‌گری و مشارکت بشر تحقق پیدا نمی‌کند. البته بشری گفته می‌شود؛ چون بشر در تحقق آن نقش دارد. تاریخی گفته می‌شود؛ چون در فرجام تاریخ بشریت به وقوع می‌پیوندد. اجتماعی گفته می‌شود، چراکه در جامعه بشری تأثیرگذار بوده و آن را دست‌خوش تغییر و تحول اساسی می‌کند.

ظهور دارای دو ساحت «اصل رخداد ظهور» و «مقدمات ظهور» می‌باشد. به بیان دیگر، ظهور در قالب مقدمه و ذی‌المقدمه که مقدمه همان تمهیدات ظهور و ذی‌مقدمه همان اصل رخداد ظهور است.

اصل ظهور و رخداد آن براساس باورداشت همه گروه‌ها و مذاهب اسلامی، مربوط به فعل الهی بوده و تنها با اراده و مشیت حق تعالی تحقق پیدا می‌کند. چنانکه امام زمان علیه السلام در توقیعی که به نایب چهارم خودش علی بن سمری می‌نویسد، می‌فرماید: «فَقَدْ وَقَعَتِ الْعَيْنَةُ الثَّانِيَةَ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ غیبت دوم (غیبت کبری) واقع شده و ظهور بعد از آن به اذن خداداد خواهد داد» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۱۶).

ولی تمهیدات ظهور که در قالب زمینه‌سازی ظهور مطرح است. علاوه بر اراده و فعل الهی، اراده و فعل بشر نیز در آن دخالت دارد. یعنی خدا فاعل حقیقی و بشر فاعل اعدادی دانسته شده و درنهایت خدای متعال به‌عنوان فاعل حقیقی، زمانی به رخداد ظهور اذن می‌دهد که بشر با اختیار و اراده خودش که فاعل اعدادی است به آمادگی جامع و شایستگی کامل رسیده باشد. چنانچه امام جواد علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

«يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةٌ مِنْ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِحْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ يَارَانِشْ كِه بِه تَعْدَادِ أَهْلِ بَدْرِنْدِ اَز دُورْتَرِينِ نَقْطَه‌هَای زَمینِ گِردِ او فِرَاهِمِ شُونْدِ وَ اَینِ اسْتِ تَفْسیرِ گُفْتَه خدایِ عِز وَ جَلِّ دَر سُورَه بَقْرَه آیه ۱۴۸ کِه مِی فِرَمَایِد: «هَر کِجَا بَاشِید خدَا شَمَا رَا مِی آوَرْد گِردِهْمِ بَدْرَسْتِی کِه خدَا بَر هَر چِیزِ تَوَانَا اسْت» وَ قِتی کِه اَینِ عِدَه اَز مَخْلَصینِ پیرامونِ او اِجْتِمَاعِ نَمُودِنْدِ، ظُهُورِ مِی کِنْدِ وَ هِنْگَامِی کِه پِیمانِ کَامَلِ گِشْتِ عِنی تَعْدَادِ آنْهَا بِه دِه هِزَارِ نَفَرِ رَسِیدِ، بِه اِذْنِ پُرُورْد گَارِ قِیَامِ مِی کِنْدِ» (صَدُوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۷۸). چنانچه امام کاظم علیه السلام دَر اَینِ بارَه مِی فِرَمَایِد: «يَا ابْنَ بُكَيْرِ اِنِّي لَأَقُولُ لَكَ قَوْلًا قَدْ كَانَتْ اَبَائِي عليهم السلام تَقُولُهُ لَوْ كَانَتْ فِيكُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ لَقَامَ قَائِمًا؛ اَي اِبْنِ بَكِيرِ! مَن چِیزِی بِه تُو مِی گُویْم کِه پَدْرانِمِ آن رَا مِی گُفْتِنْدِ، اِگَر دَر بَینِ شَمَا بِه تَعْدَادِ اَفْرَادِ جَنگِ بَدْرِ بُوْدِنْدِ قَائِمِ مِی نَمُودِ» (طَبْرَسِی، ۱۳۸۵ق، ص ۶۴).

ظهور دارای شرایط سه گانه‌ای است که تحقق آنها تحقق ظهور را به همراه دارد. این شرایط سه گانه مربوط به سه فعل یعنی، فعل خدا، فعل امام و فعل بشر می‌باشد. فعل خدا، همان خلقت و نصب امام و فعل امام همان تبعیت و اطاعت و رزی از خدا و فعل مردم همان تمهیدگری و آمادگی برای رخداد ظهور است. با اینکه دو فعل اولی که یکی مربوط به خدا و دومی مربوط به امام است تحقق پیدا کرده، باین حال باز ما شاهد ظهور نیستیم پس این نقصیه و مشکل بر می‌گردد به ترک فعل مردم که همان عدم آمادگی و عدم تمهیدگری است.

پس ظهور با آمادگی مردم تحقق پیدا می‌کند و آمادگی مردم شرط ظهور بوده و ظهور متفرع بر تحقق آن می‌باشد. براین اساس یکی از ارکان مهم ظهور که همان آمادگی و تمهیدگری است وابسته به اراده و فعل جمعی بشر می‌باشد و بی‌شک بشر در رخداد ظهور به‌عنوان فاعل اعدادی نقش مهمی داشته و تلاش و کوشش او در این خصوص منجر به زمینه‌سازی ظهور و زمینه‌سازی ظهور نیز منجر به رخداد ظهور

می‌شود. این آمادگی و تمهیدگری به اقسام مختلفی نظیر آمادگی لسانی، قلبی و عملی تقسیم می‌شود که خود آمادگی عملی باز به دو نوع آمادگی فردی و اجتماعی متنوع می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۸۰). در میان اقسام آمادگی، آمادگی عملی و در میان انواع آمادگی، آمادگی اجتماعی مهم‌تر و تأثیرگذارترین آمادگی‌ها است که در ذیل به دو نوع آمادگی یعنی فردی و اجتماعی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۲-۱-۱. تمهیدگری فردی

از جمله وظایف مهمی که منتظران در عصر غیبت باید به اجرای آن پردازند، موضوع تمهیدگری و فراهم‌آوری مقدمات برای رخداد ظهور است و تحقق این امر که بدان زمینه‌سازی ظهور می‌گویند از دو طریق فردی و اجتماعی حاصل می‌شود. آمادگی فردی که از نظر رخداد، مقدم بر آمادگی اجتماعی است در قالب شاخصه‌های اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی نمود و بروز پیدا می‌کند. همان شاخصه‌هایی که مردمان عصر ظهور به‌عنوان شهروندان جامعه منتظر بدان مزین و آراسته هستند.

امام صادق علیه السلام در بیان شرح الحال جامعه و مردمان عصر ظهور می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّتْ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ ...» هر گاه قائم ظهور کند عدل را در میان مردم برقرار می‌سازد و جور و ستم در زمان او برطرف می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد، در زمان او زمین برکات خود را بیرون می‌کند، و قائم هر حق را به اصحابش برمی‌گرداند، در ظهور او تمام مردم روی زمین دین اسلام را خواهند پذیرفت» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۶۵).

پس شهروندان جامعه منتظر نیز در راستای تبعیت از شهروندان جامعه منتظر باید به این شاخصه مزین باشند. چنانکه امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ ما را دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آن را می‌آورد. سپس افزود: هر کس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او

باشد و پرهیزکاری پیشه سازد و دارای اخلاق نیکو باشد و بدین گونه انتظار آن روز کشد» (ابن عقیله کوفی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۴۷).

«عن جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجَنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا تَقُولُوا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكُدْرُ وَيَنْقَى الصَّفْوُ». از جابر جعفری روایت می شود که گفت: به امام محمد باقر ع عرض کردم: فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود: «هیاهات! هیاهات! فرج ما تحقق نمی پذیرد مگر این که شما آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! این را سه بار فرمود تا آنجا که آلودگی برطرف شود، و پاکی بماند» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳۷).

امام باقر ع در این خصوص به سه شاخصه مهم: «تمحض»، «تمیز» و «تغربل» که زمینه ساز پاکی و تمهیدگری منتظران است، چنین می فرماید: «فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُمَحِّضُوا هَيْهَاتَ وَ لَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُغْرِبُوا؛ شما در مورد چه چیز سخن می گوئید؟ هیاهات! هیاهات! آنچه گردن های خود را به سویش می کشید (منتظر آن هستید) واقع نخواهد شد تا اینکه پاک سازی شوید، [هیاهات] و آنچه گردن های خویش را به سوی آن می کشید واقع نمی گردد تا اینکه باز شناخته و از یک دیگر جدا شوید و آنچه گردن های خود را به سویش می کشید واقع نخواهد شد تا این که غربال شوید» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۹).

در روایات بالا امامین باقر و صادق ع به شاخصه های مهم اخلاقی در بعد فردی اشاره می کنند که در واقع مزین به آنها شدن قدم اول در مسیر تمهیدگری و زمینه سازی ظهور است و اگر منتظران آنها را در خودشان پیاده سازی نکنند و مزین به آنها نباشند پس اولاً، آمادگی ظهور ندارند، ثانیاً، تمهیدگری و زمینه سازی ظهور نکرده اند، ثالثاً، به شایستگی و لیاقت رخداد ظهور نرسیده اند. پس در نهایت نخواهند توانست به بایستگی ظهور برسند.

۲-۱-۲. تمهیدگری اجتماعی

در فرایند رسیدن به ظهور علاوه بر تمهیدگری فردی، تمهیدگری اجتماعی نیز لازم

و ضروری است. یعنی در مرحله اول، باید تک تک افراد جامعه به مستوای آمادگی و شایستگی لازم برسند و در مرحله دوم، وقتی که همه افراد جامعه به این جایگاه رسیدند پس به طور طبیعی جامعه نیز به این سطح و مستوا که همان آمادگی و شایستگی رخداد ظهور باشد، رسیده است. گرچه در مسیر رخداد ظهور، شرط اولیه همان آمادگی فردی است. ولی اگر این آمادگی فردی فراگیر و همه‌جانبه نشود و اراده جمعی بشر در این مسیر قرار نگیرد، ظهوری رخ نخواهد داد؛ زیرا آمادگی فردی شرط لازم و آمادگی جمعی شرط کافی برای ظهور بوده و تا این ظهور خواهی بشر از اراده فردی و به اراده جمعی و از هنجار فردی به نرم اجتماعی نرسید ظهور به وقوع نمی‌پیوندد.

چنانچه امام باقر علیه السلام در خصوص هنجارهای اجتماعی که منتظران باید رعایت نمایند، می‌فرماید: «لِيَعْنُ قَوْمِيكُمْ ضَعِيفَكُمْ وَ لِيُعْطِفَ عَيْنُكُمْ عَلَىٰ فَقِيرِكُمْ وَ لِيُنْصَحَ الرَّجُلُ أَخَاهُ كُنْصَحِهِ لِنَفْسِهِ...؛ توانمندان شما باید به ضعیفان تان کمک کنند و اغنیاء شما باید به فقرایتان مهربانی کنند، هر کس باید برادر [دینی] اش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۳۲).

امام زمان علیه السلام در تویحی که برای شیخ مفید می‌نویسد، می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا (وَقَهْمُ اللَّهِ لِطَاعَتِهِ) عَلَيَّ اجْتِمَاعَ الْقُلُوبِ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا فَمَا يُحْبِسُ عَنْهُمْ مُشَاهَدَتُنَا إِلَّا لِمَا يَنْصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ؛ اگر شیعیان ما (که خداوند آنان را موفق به اطاعتش نماید) دل‌های‌شان با هم و یکی باشند. برکت دیدار ما (ظهور) بر ایشان زودتر حاصل می‌شد، پس مانعی از دیدن ما نیست مگر آن چیزی که ما دوست نداریم و به ما می‌رسد (یعنی گناهان)» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۰۳).

پس، براساس روایات فوق یکی از وظایف مهم منتظران، تمهیدگری و زمینه‌سازی با رویکرد اجتماعی است که در این مسیر منتظران وظیفه دارند علاوه بر خوداندیشی به دیگراندیشی نیز پردازند و با روحیه اصلاح و اصلاح‌گری علاوه بر اصلاح خود به اصلاح مردم و جامعه نیز همت گمارند و با گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی به اشاعه شاخصه‌ها و فضائل اجتماعی و دوری از شاخصه‌های منفی و ردائل اجتماعی مبادرت

نمایند تا این رویه به صورت یک عادت رسمی و دائمی در میان منتظران و جامعه منتظر فراگیر و نهادینه‌سازی شود.

۲-۲-۲. دولت منتظر اشاعه‌گر و ترویج‌گر دولت منتظر

یکی از وظایف مهم دولت منتظر در عصر غیبت تبلیغ و معرفی دولت منتظر به بشر و جوامع بشری است. این تبلیغ و معرفی در قالب دو روش گفتاری و عملی انجام می‌شود که اولی به صورت مستقیم و دومی به صورت غیرمستقیم انجام می‌پذیرد. جامعه منتظر در تبلیغ گفتاری به بیان الگویی جامعه منتظر می‌پردازد و در تبلیغ عملی، خود جامعه منتظر با آراستگی به شاخصه‌های جامعه منتظر، به عنوان نماد کوچک و الگوی مجسمی از جامعه متعالی مهدوی خودنمایی کرده و در عمل و رفتار به تبلیغ و ترویج حکمرانی متعالی مهدوی می‌پردازد.

امام علی علیه السلام در خصوص یاری رساندن مردم نسبت به دین خدا، سه طریق را بیان می‌فرماید: «انصُرِ اللهَ بِقَلْبِكَ وَ يَدِكَ وَ لِسَانِكَ؛ خدا را با قلب و زبان و دستانت یاری ده» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۸۴). اگر این روایت را در راستای یاری رساندن منتظران و جامعه منتظر نسبت به منتظر و جامعه منتظر پیاده‌سازی نمائیم همین سه طریق یعنی: قلبی، عملی و گفتاری در اینجا مطرح می‌شود. یاری رساندن قلبی منتظران نسبت به امام زمان علیه السلام یعنی ولایت‌پذیری، محبت و عشق‌ورزی آنها به حضرت. و یاری رساندن لسانی منتظران یعنی تبلیغ و اشاعه فرهنگ مهدویت و انتظار در میان مردم و یاری‌رسانی منتظران با دستان، یعنی تبلیغ عملی و رفتاری. در ادامه در میان شیوه‌های سه‌گانه تبلیغی، تنها به دو شیوه یعنی، تبلیغ گفتاری و عملی منتظران نسبت به منتظر و جامعه منتظر، پرداخته می‌شود.

۲-۲-۲-۱. تبلیغ گفتاری

تبلیغ گفتاری که همان تبلیغ کلامی و قولی است، شایع‌ترین و فراگیرترین روش تبلیغی به شمار می‌آید. چنانکه قرآن در بیان تبلیغ گفتاری سه ساحت را مطرح

می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما» (نحل، آیه ۱۲۵).

ساحت اول: استفاده از حکمت و دانایی است. یعنی مطالبی که محکم و خلل‌ناپذیر هستند و از استدلال محکم برخوردار می‌باشند.

ساحت دوم: موعظه حسن و زیبا و دل‌پذیر که از شنیدن آن‌ها روان آدمی نه تنها آزرده نمی‌گردد؛ بلکه می‌آرامد و به سوی پذیرش می‌رود.
 ساحت سوم: مناظره و جدال و گفت‌وگوی سالم و جدی.

هر سه گونه این دعوت و رساندن پیام در سراسر حیات و سیره معصومین علیهم‌السلام وجود دارد. چنانچه در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم؛ «وَالدَّعْوَةُ الْحُسْنَى وَحُجَّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰).

«پایه‌ی پیشرفت دعوت، اینهاست: اولاً، «بالحکمه»؛ یعنی کلامی که گفته می‌شود، باید حکیمانه باشد. ... مبتنی بر مبانی صحیح، عقلانی، متقن و متکی به مدارک باشد. بعد، «و الموعظة الحسنه». موعظه، غیر از حکمت است. موعظه این است که این کار را بکنید، این کار را نکنید؛ از خدا بترسید، از جهنم بترسید، به بهشت رغبت پیدا کنید... بعد هم مجادله. البته مجادله هم باید «بالتی هی احسن» باشد؛ مجادله‌ی بد نباشد. جدال صحیح؛ جدال به احسن. اینها پایه‌های تبلیغ به حساب می‌آیند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۲/۰۶).

یکی از کوتاهی‌هایی مهم و سرنوشت‌سازی که منتظران از گذشته‌های دور مرتکب شده و الان نیز ادامه داشته و بدان دچار هستند درست معرفی نکردن امام زمان علیه‌السلام و حکمرانی عادلانه او به مردم و جامعه است و این کوتاهی ها نه تنها در ابتدا به نوعی زمینه‌ساز غیبت شده است در ادامه نیز تدوام غیبت را در سال‌های طولانی در پی داشته و مردم و جامعه را از فیض ظهور امام زمان علیه‌السلام و حکمرانی عادلانه و عاقلانه او محروم کرده است؛ چنانکه، امام صادق علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «أَمَّا لَوْ كَمَلَتِ الْعِدَّةُ الْمُؤْصِفَةُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَعُدُّو صَوْتَهُ سَمِعَهُ وَ لَا شَحْنَأُوهُ بَدَنَهُ وَ لَا يَمْدَحُ بِنَا مُعَلِّنَا وَ لَا يُخَاصِمُ بِنَا قَالِيَا؛ آگاه باش هر گاه آن عده

وصف شده که سیصد و ده نفر و اندی هستند شمارشان کامل شود، آنگاه چنان که شما می‌خواهید خواهد شد، لکن شیعه ما کسی است که صدایش از حدّ گوش خودش نمی‌گذرد و نیز کینه و ناراحتی درونش از حدّ پیکر او تجاوز نمی‌کند، و ما را آشکار نمی‌ستاید و با دشمنان ما نمی‌ستیزد» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۳).

امام صادق علیه السلام در این روایت به دو جنبه تبلیغی یعنی، تبلیغ ایجابی و تبلیغ سلبی اشاره می‌فرمایند. در تبلیغ ایجابی، باید امام زمان علیه السلام و حکمرانی او با صدا و رسانه بلند و به طور فراگیر و همه‌جانبه به گوش مردم جهان برسد و در تبلیغ سلبی، باید استکبار جهانی و دشمنان امام زمان علیه السلام با رسانه و برد بلند به مردم جهان معرفی و مورد منقبت و نکوهش قرار بگیرند. تا جهانیان به خوبی حکمرانی متعالی مهدوی و بدی حکمرانی استکبار و دشمنان امام زمان علیه السلام پی برده و با اشتیاق و علاقه همراه با معرفت به سوی آمادگی و شایستگی حرکت کرده و درنهایت به بایستگی و حتمیت ظهور امام زمان علیه السلام برسند.

امام سجاد علیه السلام در خصوص فضیلت مردمان عصر ظهور که دارای شاخصه‌های تبلیغ و ترویج‌گری هستند، می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ عَيْتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنتَظِرُونَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ... أُولَئِكَ الْمُحْلَصُونَ حَقًّا وَ شَيْعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا؛ مردم زمان مهدی علیه السلام که معتقد به امامت وی می‌باشند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمان‌ها بهترند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راست‌گوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و نهان به دین خدا می‌خوانند» (فیض کاشانی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۰).

پس منتظران در راستای انجام رسالت خویش برای رسیدن به آمادگی، شایستگی و بایستگی ظهور باید به تبلیغ در گستره جهانی به صورت فراگیر و همه‌جانبه پرداخته و با ابزار روزآمد و کارآمد در فضای مجازی و حقیقی، امام زمان علیه السلام و حکمرانی عادلانه او را به جهان و جهانیان معرفی نمایند.

۲-۲-۲. تبلیغ عملی

تبلیغ عملی، که از آن به تبلیغ فعلی، رفتاری، هنجاری و تجسمی نام برده می‌شود؛

بهترین و مؤثرترین روش تبلیغ در اسلام می‌باشد. و این شیوه تبلیغی مقدم بر تبلیغ گفتاری است. برای مثال، اگر کسی به موضوعی به نام باورداشت مهدویت اعتقاد قلبی و التزام عملی داشته باشد به طورطبیعی در مسیر تبلیغ مؤثرتر و قوی‌تر عمل می‌کند؛ براین اساس مبلغین مهدویت اول، باید باورمند به اندیشه مهدویت و مزین به شاخصه‌های آن بوده و آنها را به درستی در زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده‌سازی نمایند و بعد، در عرصه دیگر اندیشی به هدایت‌گری و راهنمایی دیگران به سوی معرفت به امام زمان عجل الله فرجه و حکمرانی عادلانه او پردازند.

چنانکه امام صادق علیه السلام در این خصوص با تأکید فراوان سفارش می‌کند که مردم را باید با این روش هدایت نمود: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِاللِّسَانِ؛ مردم را با اعمال‌تان به ارزش‌ها و خوبی‌ها دعوت کنید نه با گفتار‌تان» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷).

در زندگی و سیره حضرات معصومین علیهم السلام به روشنی می‌بینیم که در تبلیغ دین بالاخص تبلیغ مهدویت از دو شیوه نظری و عملی پیروی کرده و در راستای تعالی و تعمیق فرهنگ مهدوی علاوه بر تبلیغ نظری، کلامی و گفتاری، به تبلیغ عملی و رفتاری نیز پرداخته‌اند و شاهد این ادعا وجود بیش از دو هزار روایات مهدویت از حضرات معصومین علیهم السلام است که برخی به صورت تبلیغ گفتاری و برخی به صورت تبلیغ عملی صادر شده است.

بنابراین در نهایت نتیجه گرفته می‌شود که اولاً، تبلیغ در عرصه مهدوی متنوع و متکثر است. ثانیاً، تبلیغ مهدویت به اقسامی نظیر تبلیغ نظری، قلبی، گفتاری، نوشتاری، هنری، عملی و ... تقسیم می‌شود. ثالثاً، تبلیغ عملی از نظر نفوذ و عمق‌پذیری از تبلیغ گفتاری برتر است. رابعاً، حضرات معصومین علیهم السلام در تبلیغ مهدویت به هر دو روش تمسک جسته‌اند.

براین اساس منتظران در راستای الگوگیری از حضرات معصومین علیهم السلام در مقوله تبلیغ مهدویت باید از همه شیوه‌های تبلیغی بهره برده و در عرصه‌های مختلف تبلیغی از ابزار و روش مناسبی استفاده نمایند و با کاربست بهترین، روزآمدترین و کارآمدترین شیوه

تبلیغ شخصیت امام مهدی علیه السلام و حکمرانی عادلانه او را به مردم جهان معرفی نمایند.

نتیجه گیری

اندیشه مهدویت خاستگاه و توجیه گر دو نوع حکمرانی به نام حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه است این دو نوع حکمرانی در اصل برانگیختگی از اندیشه مهدویت، متحد و همپوشان هستند براین اساس هر دو حکمرانی، با تابلوی حکمرانی مهدوی نشانه گذاری می شوند؛ زیرا اولی، با حاکمیت مستقیم امام مهدی علیه السلام و دومی، با حاکمیت غیرمستقیم امام مهدی علیه السلام یعنی به سرپرستی ولی فقیه (جانشین امام مهدی) اداره می شود. در کنار این اتحاد و همپوشانی یک سری تفاوت های نیز از نظر اصل و فرع، مقدمه و ذی مقدمه، مباشر و غیرمباشر، و فرایند و برآیند میان آن دو وجود دارد. از این اشتراکات و افتراقات فوق که بگذریم، نوعی رابطه که همان رابطه دو سویه باشد میان آن دو مطرح است. براین اساس حکمرانی مهدوی برای حکمرانی ولی اولاً، نقش مشروعیت ساز ثانیاً، نقش مقبولیت ساز و ثالثاً، نقش هدف نمایی را ایفا می کند و در مقابل حکمرانی ولی فقیه برای حکمرانی مهدوی اولاً، نقش مبلغ و ترویج گر و ثانیاً، نقش زمینه ساز و تمهید گر را ایفا می کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن ترجمه فولادوند

۱. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد. (۱۴۲۴ق). فضائل امیر المومنین علیه السلام. قم: دلیل ما.
۲. اربلی، علی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه (ج ۲). تبریز: بنی هاشمی.
۳. اصفهانی، محمد تقی. (۱۳۸۷). مکیال المکارم (چاپ هفتم). قم: مسجد مقدس جمکران.
۴. بروجردی، سید محمد حسین. (۱۳۶۲). البدر الزاهر (تقریرات حسینعلی منتظری). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. بیاضی، علی بن یونس. (بی تا). الصراط المستقیم (ج ۲، مصحح: محمد باقر بهبودی الحیدری). بی جا: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). ولایت فقیه (چاپ دوم). قم: مرکز نشر اسراء.
۷. حلی، جعفر (محقق حلی). (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام. قم: اسماعیلیان.
۸. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). ما منتظریم (گرد آورنده: حسن ملائی، چاپ چهارم). قم: بنیاد مهدی موعود علیه السلام.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۶). اجوبة الاستفتائات (ج ۶۱). تهران: مؤسسه فرهنگی ثقلین.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۸). توضیح المسائل مراجع (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۲/۰۲/۰۶). بیانات: در دیدار مسئولین سازمان تبلیغات. برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://khi/f/7586>
۱۳. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۵/۰۶/۰۶). بیانات: در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت. برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/3349>

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸/۱۲/۲۲). بیانات: در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/2276>
۱۵. خمینی، سیدروح الله. (۱۳۶۱). صحیفه نور (ج ۱۶). تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۶. خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۷. صدوق، محمد. (۱۳۹۵ق) کمال الدین (ج ۲، مصحح: علی اکبر غفاری). قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. صدوق، محمد. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۲). قم: جامعه مدرسین.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). مشکوه الانوار (چاپ دوم). نجف: مکتبه الحیدریه.
۲۰. طبری آملی صغیر، محمد. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه. قم: بعثت.
۲۱. طوسی، محمد. (۱۴۱۱ق). الغیبه. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۲۲. طوسی، محمد. (۱۴۱۴ق). امالی. قم: دارالثقافه.
۲۳. عاملی جبعی، زین الدین (شهید ثانی). (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام (ج ۱). قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۲۴. فیض کاشانی، محمدمحسن. (۱۳۷۱). نوادر الاخبار. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۵. قطب الدین، سعید بن هبه الله راوندی. (۱۴۰۹ق). خرائج و جرائح (ج ۲). قم: موسسه امام مهدی علیه السلام.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی (چاپ سوم). قم: دارالکتاب.
۲۷. کرکی، علی (محقق ثانی). (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل‌البیته لإحياء التراث.
۲۸. لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحدیث.
۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (ج ۹۷، چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). نظریه سیاسی اسلام (ج ۱، چاپ ششم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۱. مفید، محمد. (۱۴۱۳ق). الرساله الرابعه فی الغیبه. قم: دارالمفید.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). حکومت جهانی. قم: نسل جوان.
۳۳. نجفی، محمد حسن. (۱۹۸۱م). جواهر الکلام (ج ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۲ و ۴۰). بیروت: دار احیاء التراث.
۳۴. نراقی، ملا احمد. (۱۳۷۵). عوائد الایام. بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۵. نعمانی، محمد. (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی.، تهران: نشر صدوق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- * The Quran (Fouladvand, Trans.).
1. Ameli, Z. (Shahid Thani). (1413 AH). *Masalik al-Afham* (Vol. 1). Qom: Islamic Education Institute. [In Arabic]
 2. Bayazi, A. (n.d.). *Al-Sirat al-Mustaqim* (Vol. 2, Bahboudi al-Haydri, M. B, Trans.). Al-Mortazawi Library for Revival of Al-Jaafari Works.
 3. Boroujerdi, S. M. H. (1362 AP). *Al-Badr al-Zaher* (Montazeri, H. A, Ed.). Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Persian]
 4. Erbali, Ali. (1381 AH). *Kashf Al-Ghamma* (Vol. 2). Tabriz: Bani Hashemi. [In Arabic]
 5. Esfahani, M. T. (1387 AP). *Makyal al-Makaram* (7th ed.). Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
 6. Feiz Kashani, M. M. (1371 AP). *Navadir al-Akhbar*. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
 7. Heli, Jafar. (Mohaqeq Heli), (1408 AH). *Sharaye al-Islam*. Qom: Ismailian. [In Arabic]
 8. Hemiri, A. (1413 AH). *Qurb al-Asnad*. Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
 9. Ibn Uqda Kufi, A. (1424 AH). *Virtues of Amir al-Mominin*. Qom: Dalileh Ma. [In Arabic]
 10. Javadi Amoli, A. (1379 AP). *Velayat al-Faqih* (2nd ed.). Qom: Isra Publishing Center. [In Persian]
 11. Karaki, A (Mohaqeq Thani). (1408 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id*. Qom: Mu'sisah Alulbayt le Ihya al-Torath. [In Arabic]
 12. Khamenei, S. A. (1368 AP). *Statements: In the meeting of different classes of people*. From: the Supreme Leader's information Website: <https://khl.ink/f/2276>. [In Persian]
 13. Khamenei, S. A. (1372 AP). *Statements: In the meeting with the officials of the Propagation organization*. From: the Supreme Leader's information Website: <https://khi/f/7586>. [In Persian]
 14. Khamenei, S. A. (1376 AP). *Ujubah al-Istifta'at* (Vol. 61). Tehran: Saghalain Cultural Institute. [In Persian]

15. Khamenei, S. A. (1378 AP). *Tawzih al-Masa'il Maraje* (Vol. 1). Qom: Islamic publishing office affiliated with the community of teachers. [In Persian]
16. Khamenei, S. A. (1385 AP). *Statements: In a meeting with the president and members of the government delegation*. From: Supreme Leader's information Website: <https://khl.ink/f/3349>. [In Persian]
17. Khamenei, S. A. (1398 AP). *We are waiting* (Molaei, H, Ed., 4th ed.). Qom: Mahdi Mow'ud Foundation. [In Persian]
18. Khomeini, S. R. (1361 AP). *Safiha Noor* (Vol. 16). Tehran: Islamic Revolution Cultural Documents Organization. [In Persian]
19. Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Bai* (Vol. 2). Tehran: The Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
20. Laithi Waseti, A. (1376 AP). *Uyun Al-Hukm va Al-Mawa'iz*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
21. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 97, 2nd ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
22. Makarem Shirazi, N. (1386 AP). *world government*. Qom: Nasle Javan. [In Persian]
23. Mesbah Yazdi, M. T. (1391 AP). *Political theory of Islam* (Vol. 1, 6th ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
24. Mofid, M. (1413 A.H.). *Al-Risalah al-Rabi'ah fi al-Qaibah*. Qom: Dar al-Mufid. [In Arabic]
25. Najafi, M. H. (1981). *Jawahir al-Kalam* (v. 15, 16, 21, 22 & 40). Beirut: Dar Ihya al-Torath.
26. Naraghi, M. A. (1375 AP). *Awa'id al-Ayam*. Beirut: Maktab al-A'alam al-Islami. [In Persian]
27. Nomani, M. (1397 AH). *Qeibah Nomani*, Tehran: Sadouq Publications. [In Arabic]
28. Qomi, A. (1404 AH). *Tafsir Qomi* (3rd ed.). Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
29. Qutbuddin Ravandi. (1409 AH). *Khara'ij va Jara'eh* (Vol. 2). Qom: Imam Mahdi Institute. [In Arabic]

30. Sadouq, M. (1395 AH) *Kamal al-Din* (Vol. 2, A. A, Ghafari, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islamiyya. [In Arabic]
31. Sadouq, Muhammad. (1413 AH). *Man la Yahzar al-Faqih* (Vol. 2). Qom: Society of teachers. [In Arabic]
32. Tabari Amoli Saghir, M. (1413 AH). *Dalai'l al-Imamah*. Qom: Bethat. [In Arabic]
33. Tabarsi, A. (1385 AH). *Mishkah al-Anwar* (2nd ed.). Najaf: Maktaba Al-Haidariyya. [In Arabic]
34. Tusi, M. (1411 AH). *Al-Qeybah*. Qom: Dar al-Maarif al-Islamiya. [In Arabic]
35. Tusi, M. (1414 AH). *Amali*. Qom: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]

